



The University of Tehran Press

Setting up Home Businesses and Economic Empowerment of Rural Women

Sara Jalilian 

Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran, Karaj, Iran. Email: sara.jalilian@ut.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received August 17, 2024
Revised September 02, 2024
Accepted September 16, 2024
Published online September 22, 2024

Keywords:
Rural women,
Home business,
Economic empowerment,
Entrepreneurship,
Partnership.

ABSTRACT

Women play a significant role in the development of small and home-based businesses. Therefore, the current research was conducted with the aim of investigating the impact of starting home businesses on the economic capability of rural women. The study aimed to investigate the setting up home businesses and economic empowerment of rural women. The population of the study includes 256 rural women with domestic business in west Islam Abad County, and 161 entrepreneurs' women were selected based on stratified sampling (calculated according to the Cochran's formula) from each district. The research instrument was a questionnaire, and its validity was confirmed based on a panel of experts' opinion familiar with the matter. Also, to determine its reliability, 30 questionnaires were studied and completed by rural women entrepreneurs. Cronbach's alpha coefficient in the economic sector ($\alpha=0.87$) and in the tendency to start a home business ($\alpha = 0.70$) showed that the research tool has a great ability to collect information indicating that the research instrument has a high level of potentiality for data collection. For statistical description, SPSS 21 software was used, while LISREL8.8 was used for structural equation modeling. The results showed that home business justifies 60 percent of women's economic empowerment. Also, the results of the structural equation model for the empowerment of rural women and reflect a good fitness level is expected. Moreover, the research findings indicate that the average economical empowerment 73.9 percent of women surveyed is high. Therefore, by promoting new ideas and providing skill and motivational training, it is possible to improve their economic capability as well.

Cite this article: Jalilian, S. (2024). Setting up Home Businesses and Economic Empowerment of Rural Women. *Journal of Social Business*, 1 (1), 21-37.



© Sara Jalilian

Publisher: The University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی و توانمندی اقتصادی زنان روستایی

سارا جلیلیان

گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران، کرج، ایران. رایانامه: sara.jalilian@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۱

کلیدواژه:

توانمندی اقتصادی،

زنان روستایی،

کارآفرینی،

کسب‌وکار خانگی،

مشارکت.

زنان نقش بسزایی در توسعه مشاغل کوچک و خانگی دارند. لذا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر راه‌اندازی مشاغل خانگی بر توان اقتصادی زنان روستایی انجام شد. پژوهش حاضر با هدف بررسی راه‌اندازی مشاغل خانگی و توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل ۲۵۶ زن روستایی دارای مشاغل خانگی در شهرستان اسلام آباد غرب می‌باشد که از هر ناحیه ۱۶۱ زن کارآفرین بر اساس نمونه‌گیری طبقه‌ای (محاسبه شده بر اساس فرمول کوکران) انتخاب شدند. ابزار تحقیق، پرسشنامه بود که روایی آن بر اساس نظر متخصصان آشنا با موضوع مورد تایید قرار گرفت. همچنین برای تعیین پایایی آن، ۳۰ پرسشنامه توسط زنان کارآفرین روستایی مورد مطالعه و تکمیل قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ در بخش اقتصادی ($\alpha = 0/87$) و در گرایش به راه‌اندازی مشاغل خانگی ($\alpha = 0/70$) نشان داد که ابزار تحقیق توانایی بالایی در جمع‌آوری اطلاعات دارد. نشان می‌دهد که ابزار تحقیق از سطح بالایی برخوردار است. قابلیت جمع‌آوری داده‌ها برای توصیف آماری از آزمون نرم افزار SPSS₂₁ و برای مدلسازی معادلات ساختاری از LISREL_{8.8} استفاده شد. نتایج نشان داد که مشاغل خانگی ۶۰ درصد توانمندسازی اقتصادی زنان را توجیه می‌کند. همچنین نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری برای توانمندسازی زنان روستایی و نشان دهنده سطح آمادگی مناسب انتظار می‌رود. همچنین، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین توانمندی اقتصادی ۷۳/۹ درصد از زنان مورد بررسی بالا است. از این‌رو، با ترویج ایده‌های جدید و ارائه آموزش‌های مهارتی و انگیزشی می‌توان توان اقتصادی آنها را ارتقا داد.

استناد: جلیلیان، سارا (۱۴۰۳). راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی و توانمندی اقتصادی زنان روستایی. کسب و کار/اجتماعی، ۱ (۱) ۲۱-۲۷.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© سارا جلیلیان



۱. مقدمه

۱.۱. توانمندسازی و اهمیت زنان در توسعه

یکی از عوامل اصلی توسعه، منابع انسانی است که سرمایه اصلی توسعه خوانده می‌شود (محمدی‌تمری و همکاران، ۲۰۱۹). در این زمینه زنان نیز به‌عنوان بخشی از جامعه انسانی به‌واسطه امکاناتی که برای توسعه فراهم می‌آورند و خدماتی که به جامعه ارائه می‌دهند از عوامل مؤثر در توسعه جامعه محسوب می‌شوند (حیدری‌ساربان، ۲۰۱۳). بنابراین برنامه‌ریزی اصولی برای آنها باید از بنیادهای مهم هر جامعه باشد؛ به‌ویژه اینکه در نظر گرفتن این جمعیت، به‌عنوان تولیدکننده، خدمت‌رسان و حتی مصرف‌کننده، در تعادل و توازن توسعه نقش اساسی دارد. نظریه‌های متعددی از جمله فقرزدایی، برابری (عدالت)، رفاه، کارایی و توانمندسازی برای بهبود وضعیت اقتصادی زنان روستایی ارائه شده است. در این زمینه، نظریه توانمندسازی، تأکید بیشتری بر مشارکت زنان در توسعه از پایین دارد (احسانی‌فر و همکاران، ۲۰۱۵). بسیاری از دولت‌ها با اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی ویژه در زمینه بهره‌مندی از مشارکت زنان توانسته‌اند با شتاب بیشتری در مسیر توسعه گام بردارند (دادورخانی، ۲۰۰۶؛ علی‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۵).

توانمندسازی یکی از رویکردهای توسعه است که ابعاد فردی، روان‌شناختی، اجتماعی، سازمانی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را در بر گرفته و اغلب ناشی از نوشته‌های فمینیست‌ها و تجربه‌های زنان در جهان سوم است تا تحقیقات زنان در کشورهای توسعه‌یافته (مومنی‌هلالی و مودن، ۲۰۱۴؛ احسانی‌فر و همکاران، ۲۰۱۵). به‌عبارتی، توانمندسازی، مفهومی وارداتی از دنیای غرب یا پدیده‌ای ناشی از شهرنشینی و متعلق به طبقه مرفه یا حتی متوسط اجتماع نیست (کشاورز، ۲۰۱۹). این نظریه درحالی که به اهمیت افزایش قدرت برای زنان واقف است، سعی می‌کند قدرت را کمتر به‌صورت برتری فردی بر فرد دیگر (با توجه به اینکه افزایش قدرت زن موجب کاهش قدرت مرد خواهد شد) و بیشتر از دیدگاه توان زنان در جهت افزایش اتکا به خود و قدرت درونی شناسایی کند (Bauernschuster et al., 2010).

استیلاهی وضعیت توسعه‌نیافتگی در فضای روستایی سبب شده است که زنان علی‌رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه اقتصادی و اجتماعی (Ashraf et al., 2019) همواره قشری آسیب‌پذیر در برنامه‌های توسعه روستایی به حساب بیایند (رحمتی و همکاران، ۲۰۱۸). این در حالی است که ارتقای موقعیت زنان روستایی که از دیرباز و به‌طور سنتی در فعالیت‌های اقتصادی خانواده مشارکت داشته‌اند ضرورت بیشتری دارد (محمدی‌تمری و همکاران، ۲۰۱۹) و از شرایط لازم برای دستیابی کشورها به توسعه پایدار محسوب می‌شود (Gupta & Gupta, 2015).

۱.۲. اهمیت مشارکت و اشتغال زنان در توسعه

امروزه با توجه به افزایش سریع و گسترده جمعیت از جمله جمعیت روستایی ایران از یک سو و ناتوانی بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی کافی برای نیروی کار حجیم و در حال افزایش روستایی از سوی دیگر، توسعه اشتغال غیرکشاورزی به‌ویژه برای گروه‌های کم یا فاقد زمین که برای تأمین نیازهای زندگی درآمد کافی ندارند، از اهمیت زیادی برخوردار است (نورزی و همکاران، ۲۰۱۹). اقتصاددانان و جامعه‌شناسان طرفدار حقوق زنان نیز از منظرهای خاصی به اهمیت و نقش فعالیت‌های زنان، به‌خصوص زنان روستایی، در توسعه و نادیده‌انگاری این فعالیت‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و دلایل و پیامدهای آن پرداخته‌اند. برای شناسایی چگونگی مشارکت زنان در توسعه و عوامل مؤثر بر آن در دهه ۱۹۷۰، اصطلاح زن در توسعه و در دهه ۱۹۸۰ جنسیت و توسعه به‌کار گرفته شد (ریاحی و نوروزی، ۲۰۱۴) و در پی آن در بسیاری از کشورهای جهان سوم، راهبردهایی برای مشارکت عملی زنان در توسعه و رفع موانع آن اتخاذ شد. اما هنوز در ذهن بسیاری از طراحان سیاست‌های توسعه کشاورزی این فرض اشتباه وجود دارد که کشاورزان و کارگران روستایی مرد هستند (رحمتی و همکاران، ۲۰۱۸؛ World bank, 2007). از این‌رو امروزه بسیاری از دانشمندان علوم اجتماعی هنگام بحث مشارکت زنان روستایی بر اهمیت عوامل اقتصادی در فراهم کردن محیطی برای رشد مشارکت زنان در روستاها تأکید دارند (محمدی و محمدشریفی، ۲۰۱۸).

بنابراین تنوع فضایی روستاهای کشور سبب بهره‌وری‌های اقتصادی متنوع در روستاها شده است، به‌گونه‌ای که در بعضی نواحی روستایی کشور فعالیت‌های اقتصادی در سطوح گوناگون و با ویژگی‌های خاص شکل گرفته است (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۹؛ قنبری، ۲۰۱۴). صاحب‌نظران نیز بر این باورند که توسعه روستایی می‌تواند با رسیدن به تنوع‌بخشی بهینه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در جوامع روستایی افزایش یابد؛ از این‌رو تعادل میان تنوع‌بخشی و تخصصی‌سازی، راه حل مشکلات توسعه روستایی است (محمدی‌تمری و همکاران، ۲۰۱۹). در این میان توجه به فعالیت‌های اقتصادی و کسب‌وکارهای خانگی زنان با توجه به اینکه از گذشته‌های دور در اغلب مناطق روستایی کشور رواج داشته، اهمیت زیادی در تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی دارد. آمارهای ارائه‌شده گواه بر ضرورت اقدامات بیشتر برای استفاده از توان واقعی زنان در کشور است. بدین منظور می‌توان از روش‌های مختلفی استفاده کرد که ایجاد کسب‌وکارهای خانگی یکی از آنهاست؛ این نوع مشاغل از زمینه‌های فعالیت اقتصادی زنان هستند و راهکاری مهم برای ایجاد اشتغال و درآمد در سراسر جهان به‌ویژه برای زنان روستایی به شمار می‌روند. عوامل متعددی بر گرایش دختران و زنان روستایی در این زمینه تأثیرگذارند (بادزبان و همکاران، ۲۰۱۹). با تشویق تولیدات خانگی در روستاها، توانمندی زن خانه‌دار ایرانی در اوقات فراغت برای انجام دادن کارهای مولد به کار می‌رود و عوارض ناشی از بیکاری مقطعی از میان برداشته می‌شود.

۳.۱. کسب‌وکارها و توانمندسازی

کسب‌وکارهای خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می‌شوند (احمدپور داریانی و ملکی، ۲۰۱۳ ب). طرح جامع توسعه کسب‌وکارهای خانگی برای دستیابی به اهداف مرتبط با توسعه کشور براساس تحقیقات متعددی طراحی شده است (آگهی و همکاران، ۲۰۱۱). تجربه نشان داده است که توسعه کسب‌وکارهای خانگی به دلیل ساختار ساده و زودبازدهی و نیاز اندک به سرمایه در جهت متعادل کردن بازار کار مؤثر بوده است (زارعی و همکاران، ۲۰۱۵). امروزه کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به این نتیجه رسیده‌اند که توسعه مشاغل خانگی و افزایش مهارت زنان در این بخش، تأثیری مثبت و مستقیم در جنبه‌های دیگر نیز داشته است؛ زیرا از یک طرف سبب توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شود و از طرف دیگر، می‌تواند به بهبود وضعیت اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی زنان و خانواده‌های آنان بینجامد (رحمتی و همکاران، ۲۰۱۸). این نوع کسب‌وکارها از نظر ایجاد شغل و نوآوری در تولید و عرضه کالا و خدمات موجب تنوع و دگرگونی زیادی در بازارهای مختلف شده است که می‌تواند برای بیشتر افراد به‌ویژه زنان بستر مناسبی برای راه‌اندازی آسان و ساده فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد (علی‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۵) و نقطه شروع مناسبی برای ورود به بازار کار محسوب شود.

بر این اساس، نکته نیازمند توجه این است که در بحث کارآفرینی روستایی نباید از زنان غفلت شود. در زمینه لزوم توجه به نقش و جایگاه زنان روستایی در برنامه‌های مربوط به روستا از جمله کارآفرینی شایان ذکر است که طبق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، از جمعیت ۷۹۹۲۶۲۷ نفری کشور، ۲۰۷۳۰۶۲۵ نفر (۲۵/۹ درصد) در روستاها ساکن بودند و از این جمعیت ساکن در روستاها، ۱۰۱۰۰۷۶ نفر (۴۸/۷۲ درصد) زن بودند. در استان کرمانشاه نیز براساس نتایج این سرشماری از جمعیت ۱۹۵۲۴۳۴ نفری استان، ۴۷۸۴۴۴ نفر معادل ۲۴/۵ درصد در روستاها ساکن بودند که از این تعداد ۲۳۰۶۴۰ نفر (۴۸/۲۱ درصد) زن بودند (مرکز آمار ایران، ۲۰۱۹). از این‌رو حضور گسترده زنان در اجتماعات به‌ویژه اقتصاد، سبب افزایش درآمد خانواده، کاهش فشار اقتصادی بر مردان و کاهش بار سرپرستی آنها، افزایش عرضه نیروی کار از سوی زنان و در نتیجه کاهش هزینه‌های تولید و خدمات در جامعه و در نهایت توسعه و رشد اقتصادی خواهد شد (بادزبان و همکاران، ۲۰۱۹).

اهمیت پرداختن به این موضوع و مسئله را می‌توان از چند جنبه بیان کرد. نخست اینکه، توجه و شناخت زیادی درباره بعد توانمندی اقتصادی در بین زنان روستایی وجود ندارد، به‌ویژه در مورد کسب‌وکارهای خانگی زنان، تحقیقات زیادی انجام نگرفته است. همچنین، با وجود برگزیده شدن و اهمیت کسب‌وکارهای خانگی در کشور و استان، شناختی در مورد اینکه کسب‌وکارهای خانگی در توانمندی اقتصادی زنان روستایی چقدر موفق بوده‌اند وجود ندارد. از این‌رو، پژوهش حاضر با درک اهمیت و ضرورت موضوع، تأثیر کسب‌وکار خانگی را بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب هدف قرار داده است.

۴.۱. مبانی نظری تحقیق

۴.۱.۱. توانمندسازی

به‌کارگیری واژه توانمندسازی با جنبش‌های میانه دهه ۱۹۷۰ شروع شد و در میانه دهه ۱۹۸۰ در توسعه رونق گرفت. از نظر بانک جهانی (محمدی‌یگانه و همکاران، ۲۰۱۳) توانمندسازی روندی است که ظرفیت افراد یا گروه‌ها را برای انتخاب افزایش می‌دهد و انتخاب‌ها را به سمت نتایج و اعمال مطلوب متمایل می‌سازد. در مفهوم توانمندسازی به گستره وسیعی از مفاهیم نظیر حق انتخاب، کنترل داشتن و دسترسی به منابع، احساس استقلال و اعتماد به نفس بیشتر و غیره اشاره شده است؛ برای مثال، فارست توانمندسازی را به چالش کشیدن مناسبات سنتی قدرت بین زن و مرد و تلاش برای با توزیع قدرت و منابع به‌منظور یاری به فقرا تعریف می‌کند (نوروزی و همکاران، ۲۰۱۹). نظریه توانمندسازی بر این نکته تأکید دارد که زنان، نه تنها نابرابری‌های موجود، بلکه ساختارهای مولد نابرابری را در سطوح گوناگون و همزمان زیر سؤال می‌برند و با آنها مبارزه می‌کنند (برقی و همکاران، ۲۰۱۷). در این زمینه طبق نظریه‌های کونگر (۱۹۸۸) و لانگه (۱۹۹۱)، توانمندسازی مفهومی انگیزشی است و فرایندی تصور می‌شود که طبق آن افراد بر احساس ناتوانی، کمبود منابع و خودمختاری محدود با هدف دستیابی به کنترل زندگی خود غلبه می‌کنند. به‌عبارتی توانمندسازی فرایند تغییر عقاید درونی افراد است (Austrian et al., 2020).

ریفکین توانمندسازی را فرایندی می‌داند که طی آن افراد بر امور و کارهایشان تسلط بیشتری می‌یابند و با کسب قدرت زیاد، کنترل بر منابع، اعتمادسازی، ظرفیت‌سازی و مشارکت فعال مسیر زندگی خود را هدایت می‌کنند (محمدی یگانه و همکاران، ۲۰۱۳؛ Borghei et al., 2010). توانمندسازی امروزه واژه‌ای آشناست و در بسیاری از موارد استفاده شده است، اما تعریفی کافی و جامع از آن بسیار دشوار است. هسته مفهوم توانمندسازی ایده قدرت است؛ زیرا اگر قدرت تغییر کند، توانمندسازی با اتکا به مفهوم قدرت می‌تواند توسعه یابد. از این‌رو، گرفتن مفهوم قدرت از توانمندسازی به مفهوم اصلی آن لطمه می‌زند (Santos et al., 2019).

هرچند که نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از تأثیر مثبت کارآفرینی و اشتغال بر توانمندسازی زنان است، با این حال توانمندسازی کارآفرینی تا کنون کمتر به‌عنوان رویکرد اساسی فقرزدایی پایدار برای زنان روستایی مطرح شده است (شفیعیان و همکاران، ۲۰۲۱). از بررسی تعاریف مشخص می‌شود که توانمندی حاوی سه عنصر یا مفهوم مشترک در بیشتر تعاریف و مفاهیم است. نخستین عنصر، منابع است که شامل متغیرهایی مانند آموزش و اشتغال است و به قول کبیر^۱ (۲۰۰۰) از عوامل تسریع‌کننده توانمندسازی به شمار می‌آید. دومین عنصر عاملیت است، که معرف اهمیت گفتمان از پایین به بالا نسبت به رویکرد از بالا به پایین است (Mollahatra, 2002). سومین عنصر دستاوردها یا نتایج و پیامدهاست که در اثر فرایند توانمندسازی ایجاد می‌شود. دستاوردها می‌تواند از برآورده شدن نیازهای اساسی تا دستاوردهای پیچیده‌تری مانند خشنود بودن، عزت نفس، مشارکت در زندگی اجتماعی و سیاسی و غیره را در بر گیرد (Sen, 1999). این عوامل وقتی با هم استفاده شوند، توانمندسازی را افزایش می‌دهند (Covin & Lumpkin, 2011).

در این زمینه در حوزه توانمندسازی پژوهش‌های تمایل به کارآفرینی و راه‌اندازی کسب‌وکار دارای اهمیت بالایی است (Wales et al., 2013؛ شکرالهی و کریمی، ۲۰۱۵). زیرا این مفهوم به‌عنوان گرایش راهبردی مطرح است که رفتارهای کارآفرینانه افراد و سازمان‌ها را شامل می‌شود و آن را به‌سوی نوآوری، پویایی و ریسک‌پذیری سوق می‌دهد (Gupta & Gupta, 2015). بررسی پیش‌نکاشته‌ها بیانگر آن است که در پژوهش‌های پیشین عوامل مختلفی به‌عنوان پیشایندهای گرایش کارآفرینی مطرح شده‌اند. در این پژوهش‌ها با توجه به هدف یا اهداف پژوهش، هر محقق عامل یا عواملی را به‌عنوان عوامل اثرگذار بر گرایش کارآفرینی بررسی کرده است و مدل یا الگوی جامعی در زمینه پیشران‌های آن که مورد توافق صاحب‌نظران باشد وجود ندارد. از طرف دیگر با توجه به گستردگی و پراکندگی پژوهش‌ها، در زمینه تمایل به کارآفرینی تحقیقات بیشتر در سطح سازمان‌ها و شرکت‌ها انجام گرفته است و ترکیب همه عوامل تحت بررسی در پژوهش‌های قبلی در قالب الگوی مفهومی واحد

در پژوهش حاضر میسر نیست. از این رو در طی سال‌های اخیر محققان پژوهش‌های خود را برپایه چند ویژگی توسعه و گسترش داده‌اند که شامل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، مدیریتی، روان‌شناختی (شخصیتی) و دانشی است (Santos et al., 2018).

۱.۴.۲. کسب و کارهای خانگی

به هر نوع فعالیت اقتصادی در محل سکونت شخصی که با استفاده از امکانات و وسایل منزل راه‌اندازی شود کسب و کار خانگی می‌گویند (میکانیکی و همکاران، ۲۰۲۱). این نوع کسب و کار به‌طور سنتی در بسیاری از منازل در کشورها وجود داشته و به مفهوم درآمدزایی و کسب و کار از طریق انجام دادن فعالیت‌ها در منزل اشاره دارد. امروزه صاحبان کسب و کارهای خانگی بر این باورند که کار کردن در خانه، کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد. کار کردن در خانه سبب می‌شود که وقت بیشتری به خانواده و خانه اختصاص یابد و به دیگر مسائل خانواده توجه بیشتری شود (احمدپورداریانی و سمیع‌زاده، ۲۰۱۳ ب؛ میکانیکی و همکاران، ۲۰۲۱). در بیشتر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به این نتیجه دست یافته‌اند که کسب و کارهای خانگی و افزایش مهارت زنان در این بخش، تأثیر مستقیم و مثبتی بر جنبه‌های دیگر دارد؛ یعنی از یک سو سبب توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی و از سوی دیگر سبب بهبود وضعیت اجتماعی، فرهنگی زنان و خانواده می‌شود (هاشمی و پورامین‌زاد، ۲۰۰۹).

در این زمینه بسیاری از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی معتقدند که توسعه کارآفرینی زنان اثر مثبت و مستقیم بر فعالیت‌های مختلف کشور دارد، زیرا از یک طرف سبب توسعه اقتصادی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌شود و از طرف دیگر به بهبود شرایط اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی و خانواده‌های آنها کمک می‌کند. با این حال پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زنان به دلیل برخوردار نبودن از قابلیت‌ها و امکانات لازم برای توانمندی و کاهش فقر بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند (قنبری، ۲۰۱۴) و به دلیل این محدودیت‌ها از فرصت‌های کمتری در رشد و توسعه کارآفرینی برخوردارند.

بر این اساس، ایجاد زمینه‌های خودآگاهی، توانایی‌های اجتماعی و اقتصادی زنان و برنامه‌ریزی به‌منظور جلب مشارکت آنها در فعالیت‌های مختلف ضروری به نظر می‌رسد تا زمینه توانمندی زنان روستایی فراهم شود. از این رو در این زمینه، در رویکردهای جدید توسعه به‌منظور توانمندی زنان روستایی به‌عنوان گروهی محروم بر کارآفرینی و کسب و کار اهمیت داده می‌شود (محمدی و محمدشریفی، ۲۰۱۸). با توجه به اینکه کسب و کارهای خانگی از نظر ایجاد شغل، نوآوری در عرضه محصول یا خدمات، موجب تنوع و دگرگونی زیادی در اجتماع و اقتصاد هر کشور می‌شوند (احمدپورداریانی و ملکی، ۲۰۱۳). گرچه بسیاری از کشورها توانایی ایجاد زیرساخت‌هایی برای توسعه مشاغل درآمدزا و کسب و کارهای خانگی برای روستاییان را ندارند (Ashraf et al., 2019). در این زمینه، با توسعه کسب و کارهای کارآفرینانه فرصت‌های اقتصادی جدید شکل می‌گیرد (علی‌آبادی و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین با توجه به اینکه در دنیای امروز، در حوزه کسب و کار و اقتصاد با تحولات سریعی روبه‌رو هستیم، در این شرایط کسب و کارهای خانگی می‌تواند محرک قدرتمندی برای توسعه اقتصادی باشد و سبب رشد و توسعه اقتصادی در کشور و افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال و رفاه شود.

افزون بر این، کسب و کارهای خانگی زنان با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت فعال جوامع هستند، از یک طرف می‌تواند به رشد تولید و فروش، افزایش سرمایه، رفاه اقتصادی، افزایش قدرت رقابت و صادرات بینجامد و به بیانی دیگر به توسعه اقتصادی کمک کند و از طرف دیگر به رشد و شکوفایی خود زنان کمک کند. در این ارتباط، ساتیاباما^۱ (۲۰۱۰) در پژوهشی نتیجه گرفت که کارآفرینی به توانمندسازی زنان روستایی منجر می‌شود و مزایای کارآفرینی در توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی سبب توسعه خانواده و جامعه می‌شود. از دیدگاه آلسوپ^۲ و همکاران (۲۰۰۵)، شاخص‌هایی که به‌طور مستقیم توانمندی را می‌سنجند شامل توانایی دسترسی به نهادهای تولیدی، دسترسی و استفاده از اعتبارات رسمی یا غیررسمی و دسترسی به زیرساخت‌هاست. آبراهام^۳ (۲۰۱۱) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که اجزای اصلی اندازه‌گیری توانمندی کشاورزان، قدرت تصمیم‌گیری و سابقه شغلی

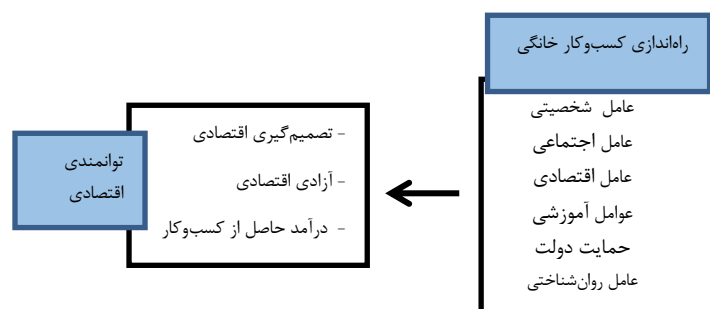
1. Sathiabama
2. Alsop et al.
3. Abraham

است. از نگاه شارما و کانتا وارما^۱ (۲۰۰۸) مشارکت زنان در فعالیتهای تولیدی درآمدزا، به توانمندسازی آنان در ابعاد مختلف کمک می‌کند.

پژوهش سلطان و همکاران^۲ (۲۰۱۰) در بنگلادش نشان می‌دهد که صندوق‌های اعتباری خرد با سرمایه اندکی که در اختیار زنان قرار می‌دهند، فرصتی برای راه‌اندازی مشاغل کوچک ایجاد کرده و به آنها کمک می‌کنند تا از نظر اقتصادی توانمند شوند. براساس پژوهش صندوق کارآفرینی آفریقا^۳ (۲۰۰۷) برای توانمندسازی اقتصادی زنان آفریقایی باید به وضع قوانین مساوی در ارث‌بری از زمین توجه کرد. همچنین، نتایج پژوهش امینی و احمدی شاپورآبادی (۲۰۰۶) نیز نشان داد که عامل اقتصادی اثر مهمی در توانمندسازی زنان دارد. همچنین با افزایش درآمد، میزان استقلال مالی و اقتصادی زنان افزایش می‌یابد. اشتغال به‌ویژه برای زنان ایرانی از جمله ویژگی‌هایی است که به باور عمومی، در توانمند شدن زنان تأثیر مهمی دارد.

بررسی عرب‌مازار و سعدی (۲۰۰۵) نشان داد که اجرای طرح‌های اشتغال‌زای روستایی میزان پس‌انداز زنان روستایی را که اغلب از زنان سرپرست خانوار هستند افزایش داده است. انجذاب و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهش خود نتیجه گرفتند که تغییر رفتارهای اقتصادی زنان از نتایج اجرای طرح ایجاد مشاغل خرد برای آنهاست. از دیدگاه علیائی و دهقان نیستانکی (۲۰۱۱) افزایش توانمندی‌های زنان، موجب افزایش قدرت اقتصادی خانواده می‌شود.

در این زمینه نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از تأثیر مثبت کارآفرینی و اشتغال بر توانمندسازی زنان است (شفیعیان و همکاران، ۲۰۲۱). همچنین براساس یافته‌های پژوهش فرضی‌زاده و همکاران (۲۰۱۲) و موهانتی و همکاران^۴ (۲۰۱۳) تأثیر ساختار فرصت به‌ویژه نهادهای غیررسمی بر توانمندی بسیار مهم است. در این قسمت، چارچوب مفهومی پژوهش در قالب هدف کلی بیان و براساس مرور ادبیات نظری و پژوهش‌های تجربی مرتبط ترسیم شده است (شکل ۱).



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

۲. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روش کمی صورت گرفت و از نظر کنترل متغیرها غیرآزمایشی بود و به‌صورت کاربردی انجام پذیرفت. هدف پژوهش، بررسی تأثیر کسب‌وکارهای خانگی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی بود. جامعه آماری ۲۶۵ نفر از زنان روستایی فعال در فعالیتهای اقتصادی ساکن روستاهای شهرستان اسلام‌آباد غرب بود. برای برآورد حجم نمونه ابتدا بررسی مقدماتی ۳۰ نفر از پاسخگویان انجام گرفت و سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه ۱۶۱ نفر مشخص شد. روش نمونه‌گیری، انتساب متناسب طبقه‌ای بود. در این مرحله از مجموع ۷ دهستان اسلام‌آباد غرب، ۳۴ روستا به‌طور تصادفی انتخاب شد.

جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه صورت گرفت که پایایی آن در بخش توانمندی اقتصادی از طریق آلفای کرونباخ ($\alpha = 0.87$) و در بخش گرایش به راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی ۰/۷۰ درصد محاسبه شد که نشان‌دهنده قابلیت زیاد ابزار تحقیق

1. Sharma & kanta varma
2. Sultsn *et al.*
3. Entrepreneurship Fund Africa
4. Mohanty *et al.*

برای جمع‌آوری اطلاعات است و روایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظر متخصصان و کارشناسان تأیید شد. پرسشنامه پژوهش شامل دو بخش است: بخش اول برای جمع‌آوری اطلاعات فردی و حرفه‌ای زنان و بخش دوم شامل شاخص‌های مربوط به سنجش توانمندی اقتصادی. شاخص توانمندی اقتصادی با جمع سه مؤلفه آزادی اقتصادی، قدرت تصمیم‌گیری و درآمد حاصل از کسب‌وکار خانگی زنان بررسی شد. با توجه به ماهیت پژوهش، در پژوهش حاضر داده‌ها توصیف و تحلیل شدند؛ به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از نرم‌افزار SPSS²¹ استفاده شد.

در تحلیل داده‌ها به‌ویژه از مدل‌سازی معادلات ساختاری بهره گرفته شد. الگوسازی لیزرل به‌نوعی شبیه رگرسیون چندگانه است که از این نوع مدل‌سازی (معادلات ساختاری) به‌عنوان روشی قدرتمند برای ارزیابی تعامل بین متغیرها، روابط غیرخطی بین آنها، روابط بین متغیرهای مستقل، لحاظ خطاهای اندازه‌گیری، میزان همبستگی بین خطاهای اندازه‌گیری و نیز متغیرهای مکنون چندگانه استفاده می‌شود (سعدی و همکاران، ۲۰۱۴). هدف اولیه از به‌کارگیری مدل‌سازی معادله ساختاری، یافتن یک مدل نظری به لحاظ آماری معنادار، برای آزمون نظریه‌هاست. معیارهای برازش کلی مدل شامل شاخص نیکویی برازش (جی اف آی)، شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (ای جی اف آی) و غیره هستند.

۳. یافته‌ها

براساس نتایج، سن جامعه تحت بررسی بین ۱۷ تا ۷۵ سال متغیر است (میانگین ۳۴/۵۲۸ و انحراف معیار ۹/۳۲). سطح تحصیلات بیشتر آنها دیپلم (۴۱ درصد) است و کمتر از ۲/۵ درصد بی‌سوادند. از مجموع جامعه یادشده، ۳۶/۶ درصد مجرد، ۵۴/۷ درصد متأهل، ۱/۹ درصد مطلقه و ۶/۸ درصد بیوه هستند. ۱۶/۸ درصد زنان تحت بررسی دارای کسب‌وکار خانگی در بخش کشاورزی، ۱۳/۷ درصد در بخش دامی و ۵۰/۳ درصد در بخش صنعت هستند؛ زنان روستایی دارای کسب‌وکارهای خانگی در بخش صنعت بیشترین فراوانی و در بخش دامی کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. مدت زمان فعالیت زنان دارای کسب‌وکار خانگی بین ۱ تا ۲۰ سال متغیر بوده است (میانگین آن حدود ۵/۲۷ سال و انحراف معیار: ۵/۰۰۷). بیشترین فراوانی مربوط به افرادی با سابقه فعالیت کمتر از ۵ سال (۶۸/۹ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به افرادی با سابقه بیش از ۲۱ سال (۳/۱ درصد) است. در این جامعه ۲/۱۱ درصد بی‌سوادند، ۵/۶ درصد تحت آموزش نهضت سوادآموزی قرار دارند (توانایی خواندن و نوشتن)، ۸/۷ درصد در مقطع ابتدایی متوقف شده‌اند، ۹/۹ درصد تحصیلات راهنمایی دارند، ۴۱ درصد دارای دیپلم هستند و ۲۳/۶ درصد تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر دارند. با توجه به اطلاعات جدول، می‌توان گفت که بیشتر زنان تحت بررسی تحصیلات دیپلم و بالاتر دارند.

با جمع این سه مؤلفه، سطح توانمندی اقتصادی زنان بررسی شد. به‌منظور سنجش توانمندی اقتصادی افراد از روش انحراف از میانگین^۱ برای طبقه‌بندی و امتیازدهی به هریک از شاخص‌ها استفاده شد و سپس با جمع کردن امتیازها، میزان توانمندی اقتصادی در حد کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شد. این گروه‌بندی براساس میانگین و انحراف معیار با استفاده از فرمول ۱ به‌دست آمد (سعدی و همکاران، ۲۰۱۴):

کم: $A < \text{Mean} - \text{St.d}$: A

متوسط: $\text{Mean} - \text{St.d} < B < \text{Mean}$: B

زیاد: $\text{Mean} < C < \text{Mean} + \text{St.d}$: C

خیلی زیاد: $\text{Mean} + \text{St.d} < D$: D

درآمد حاصل از کسب‌وکار خانگی: در بررسی وضعیت درآمدی زنان از کسب‌وکار خانگی مشخص شد که درآمد زنان بین ۸۰ هزار تا ۶ میلیون تومان در ماه متغیر است و به‌طور میانگین هر کدام از کسب‌وکارشان حدود ۵۶۴/۳۰۶ هزار تومان در ماه درآمد کسب کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر جامعه یادشده حدود ۲۵۱ تا ۵۰۰ هزار تومان در ماه از محل کسب‌وکارشان درآمد داشته و تنها ۹/۳ درصد درآمد بیش از یک میلیون تومان از این طریق کسب کرده‌اند (جدول ۱).

1. Interval of Standard Deviation from the Mean (ISDM)

جدول ۱. توزیع فراوانی زنان بررسی‌شده برحسب درآمد حاصل از کسب‌وکار خانگی در ماه (هزار تومان)

درآمد حاصل از کسب‌وکار	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کمتر از ۲۵۰	۴۳	۲۶/۷	۲۶/۷
۲۵۱ - ۵۰۰	۶۷	۱۴/۶	۶۸/۳
۵۰۱ - ۷۵۰	۲۰	۱۲/۴	۸۰/۷
۷۵۱ - ۱۰۰۰	۱۶	۹/۹	۹۰/۷
بیشتر از ۱۰۰۱ هزار تومان	۱۵	۹/۳	۱۰۰
جمع	۱۶۱	۱۰۰	
میانگین: ۵۸۴/۳۰۶	انحراف معیار: ۷۰۸/۳۸۳	کمینه: ۸۰	بیشینه: ۶۰۰۰

(منبع: یافته‌های پژوهش)

قدرت تصمیم‌گیری افراد، میزان دخالت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مانند هزینه‌تخصیص فرزندان و خرید و فروش، میزان اختیارات اقتصادی آنها را نشان می‌دهد (صحراکوری و باندی^۱، ۲۰۲۱). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که زنان روستایی شاغل سهم بیشتری در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خانواده دارند؛ آنها اختیار بیشتری در هزینه کردن درآمد خود و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که اشتغال به کسب‌وکار خانگی بیش از همه بر متغیرهایی چون خرج تحصیل فرزندان، خرید خوراک و پوشاک مورد نیاز خانوار و مدیریت هزینه‌های خانوار به ترتیب اولویت تأثیر داشته است. در مقابل زنان جامعه مورد نظر اظهار داشته‌اند که کمترین دخالت اقتصادی آنان در امور مربوط به خرید یا تغییر منزل مسکونی، خرید و فروش زمین کشاورزی و باغ و فروش محصولات زراعی و دامی بوده است. همان‌گونه که اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر زنان در مورد نحوه خرج و مصرف درآمد، خودشان تصمیم می‌گیرند.

در زمینه تعیین سطح توانمندی اقتصادی زنان روستایی، میزان آزادی اقتصادی آنان نیز بررسی شد. آزادی اقتصادی به معنای میزان آزادی در رفت‌وآمد و حد اختیار در رفتن به اماکنی است که زن به‌تنهایی و بدون نظارت شوهر می‌تواند رفت‌وآمد داشته باشد (کبیر، ۱۹۹۹). این شاخص براساس مجموع چهار مؤلفه آزادی اقتصادی بررسی شد. نتایج حاکی از آن است که در میزان تحرک (آزادی) در فعالیتهای اقتصادی، متغیرهای خرید از بازار شهر و پس‌انداز شخصی به‌ترتیب اولویت، بیشترین تأثیر را داشتند. در ارتباط با فروش محصولات در بازار شهر در بین زنان روستایی مورد مطالعه از نظر میزان آزادی اقتصادی از کمترین تأثیر برخوردار بودند. می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر زنان در مورد خرید و پس‌انداز پول از آزادی بیشتری برخوردارند. با توجه به جدول ۲، نتایج حاکی از آن است که در مجموع، حدود ۴۹/۱ درصد افراد از آزادی اقتصادی در حد خوب و عالی، حدود ۵۰/۹ درصد در حد متوسط و حدود ۱۴/۹ درصد در حد ضعیف برخوردارند (جدول ۲).

توانمندی اقتصادی مشتمل بر سه مؤلفه درآمد، قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی و تحرک اقتصادی است. در این پژوهش با یکسان کردن واحدهای این سه مؤلفه، سطح توانمندی زنان بررسی شد. با توجه به نتایج، مشخص شد که توانمندی اقتصادی در ۱۲/۴ درصد زنان کم، در ۱۳/۷ درصد متوسط و در ۷۳/۹ درصد زیاد و خیلی زیاد است (جدول ۳). به‌عبارتی می‌توان گفت که توانمندی اقتصادی زنان روستایی بررسی‌شده زیاد است.

جدول ۲. وضعیت شاخص‌های توانمندی اقتصادی زنان روستایی

وضعیت	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	امتیاز متغیرها
				آزادی اقتصادی
ضعیف	۱۴/۹	۱۴/۹	۲۴	کمتر از ۹/۵۹
متوسط	۵۰/۹	۳۶/۰	۵۸	۹/۵۹ - ۱۲/۴۴
خوب	۸۶/۳	۳۵/۴	۵۷	۱۲/۴۴ - ۱۵/۰۳
عالی	۱۰۰	۱۳/۷	۲۲	بیشتر از ۱۵/۰۳
		۱۰۰	۱۶۱	جمع
	انحراف معیار: ۲/۸۵	میانگین: ۱۲/۴۴		
				قدرت تصمیم‌گیری
ضعیف	۷/۵	۷/۵	۱۲	کمتر از ۳۰/۶۹
متوسط	۲۸/۰	۲۰/۵	۳۳	۳۰/۶۹ - ۳۸/۵۰
خوب	۴۲/۲	۱۴/۳	۲۳	۳۰/۵۰ - ۴۶/۳۱
عالی	۱۰۰	۵۷/۸	۹۳	بالتر از ۴۶/۳۱
	-	۱۰۰	۱۶۱	جمع
	انحراف معیار: ۳/۵۹	میانگین: ۲۰/۴۳		

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۳. وضعیت توانمندی اقتصادی زنان روستایی

وضعیت	درصد تجمعی	درصد	فراوانی	سطح توانمندی اقتصادی
کم	۱۲/۴	۱۲/۴	۲۰	کمتر از ۱۰/۵۱
متوسط	۲۶/۱	۱۳/۷	۲۲	بین ۱۰/۵۱ - ۱۹/۲۵۰
زیاد	۴۳/۵	۱۷/۴	۲۸	۱۹/۲۵۰ - ۲۷/۹۹
خیلی زیاد	۱۰۰	۵۶/۵	۹۱	بیشتر از ۲۷/۹۹
-	-	۱۰۰	۱۶۱	کل
	کمینه: ۱/۱۶	انحراف معیار: ۸/۷۴۰	میانگین: ۱۹/۲۵۰	

منبع: یافته‌های پژوهش

۱.۳. بررسی مدل اندازه‌گیری شاخص‌های مؤثر در تمایل به کسب‌وکارهای خانگی

برای ارزیابی نقش شاخص‌های مؤثر در شکل‌گیری عمل‌های تمایل به راه‌اندازی زنان از روش تحلیل عاملی مرتبه دوم استفاده شد. دلیل استفاده از تحلیل عاملی مرتبه دوم نوع اثرهای علی در مدل انتزاعی تحقیق است. در مدل طراحی شده می‌توان دید که ساختارهای عاملی پنج‌گانه، ساختار عاملی مجزایی را در سطح دوم تشکیل می‌دهند. براساس مدل تحقیق، این مدل در نرم‌افزار لیزرل پیاده‌سازی شده و مدل تحلیل عاملی مرتبه دوم قابل قبولی اجرا شد و به‌دست آمد. براساس نتایج جدول ۴، مقادیر t به‌دست‌آمده برای همه متغیرها از ۱/۹۶ بزرگ‌تر بود و در نتیجه روابط این متغیرها با عامل‌های مربوط معنی‌دار شد. به‌عبارت دیگر، یافته‌های این بخش نشان می‌دهد که همه نشانگرهای انتخابی برای سنجش تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی در زنان روستایی شهرستان اسلام‌آباد غرب از دقت لازم و کافی برخوردار بوده‌اند؛ از این‌رو می‌توان بیان کرد که شاخص‌های استفاده‌شده، با زیربنای نظری تحقیق تطابق قابل قبولی را نشان می‌دهند.

در جدول ۵ رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه مرتبه دوم، همراه با مقدار t و بارهای عاملی هر یک از عامل‌ها (مقادیر ضریب گاما) نشان داده شده است. مقادیر ضریب گاما می‌توانند شدت رابطه بین عامل‌های مرتبه اول و عامل مرتبه دوم را نشان دهند. در این تحقیق براساس داده‌های میدانی در میان شش شاخص بررسی‌شده، عامل اجتماعی ($\lambda=۰/۶۵$) قوی‌ترین شاخص مرتبط با تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار شناسایی شد.

همچنین با توجه به شاخص‌های برازندگی که در جدول ۶ نشان داده شده است، می‌توان گفت که مدل اندازه‌گیری گرایش کارآفرینانه زنان روستایی (شکل ۲)، به‌منظور برازش روابط بین شاخص‌ها و نشانگرهای مربوط به آنها معتبر و قابل قبول است.

جدول ۴. بارهای عاملی نشانگرها و شاخص‌های راه‌اندازی در قالب مدل اندازه‌گیری

شاخص (سازه)	نماد در مدل	متغیرها	بار عاملی	t
آموزشی SO	SO1	داشتن مهارت حرفه‌ای	۰/۶۵	-
	SO2	داشتن تحصیلات و باسواد بودن و تمایل به استفاده از سواد	۰/۴۵	۵/۴۴
	SO3	کسب تجربه و تخصص	۰/۷۰	۴/۱۲
	SO4	تمایل به شرکت در کلاس‌های آموزشی - ترویجی	۰/۵۹	۳/۱۲
	SO5	تمایل به مهارت‌آموزی	۰/۵۷	۵/۹۵
	SO6	علاقه‌مندی به کسب‌وکار	۰/۵۶	۵/۵۹
شخصیتی - فردی PR	PR1	مسئولیت‌پذیری زنان در کار و علاقه به داشتن مسئولیت	۰/۵۵	-
	PR2	داشتن برنامه‌ریزی و استفاده از وقت	۰/۳۰	۳/۳۳
	PR3	توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید	۰/۴۴	۴/۳۲
	PR4	میل به داشتن قدرت و اعتبار	۰/۸۰	۵/۱۳
	PR5	تعداد کم فرزندان و داشتن وقت	۰/۴۷	۴/۷۱
	PR6	انتظار نداشتن دریافت کمک از دولت	۰/۷۳	۵/۶۳
اقتصادی (FA)	FA1	نیاز خانواده به درآمد زن	۰/۴۵	-
	FA2	تمایل به استقلال مالی	۰/۶۷	۴/۲۹
	FA3	کمک به بهبود وضعیت مالی خود و خانواده	۰/۴۷	۳/۷۵
حمایت دولت SU	SU1	ناکارآمدی دولت در انجام برخی امور	۰/۷۵	-
	SU2	تشویق و اعطای تسهیلات در قالب وام‌های کم‌بهره	۰/۸۷	۷/۴۵
روان‌شناختی - خانوادگی PH	PH1	عزم و اراده و نیاز به کسب موفقیت	۰/۵۲	-
	PH2	تمایل به ریسک	۰/۵۹	۴/۳۵
	PH3	حمایت همسر، پدر یا سایر اعضای خانواده از شغل زن	۰/۴۶	۳/۵۳
	PH4	اعتمادبه‌نفس و خودباوری زنان	۰/۷۵	۲/۳۱
اجتماعی - فرهنگی CU	CU1	علاقه‌مندی به فعالیت‌های اجتماعی	۰/۵۹	-
	CU2	به‌دست آوردن موقعیت اجتماعی بین خانواده و فامیل	۰/۵۳	۵/۳۷
	CU3	شرایط فرهنگی و جو روستا	۰/۳۳	۳/۲۲
	CU4	داشتن ارتباط با زنان موفق	۰/۴۵	۳/۶۴

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۵. رتبه‌بندی اثر شاخص‌های مرتبه اول در تشکیل سازه مرتبه دوم براساس بار عاملی

رتبه	شاخص‌های مرتبه اول	λ	t	sig
۱	اجتماعی	۰/۶۵	۴/۴۳	۰/۰۱
۲	اقتصادی	۰/۶۱	۲/۹۵	۰/۰۱
۳	روان‌شناختی	۰/۵۴	۳/۲۹	۰/۰۱
۴	حمایت دولتی	۰/۴۳	۳/۳۴	۰/۰۱
۵	شخصیتی - فردی	۰/۳۰	۲/۲۷	۰/۰۱
۶	آموزشی	۰/۳۰	۲/۶۱	۰/۰۱

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول ۶. شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری عامل راه‌اندازی کسب‌وکار

شاخص	x^2 / df	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	≤ 3	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≤ 0.08
مقدار گزارش شده	۰/۹۰۱۸	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۳	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۴۵

منبع: یافته‌های پژوهش

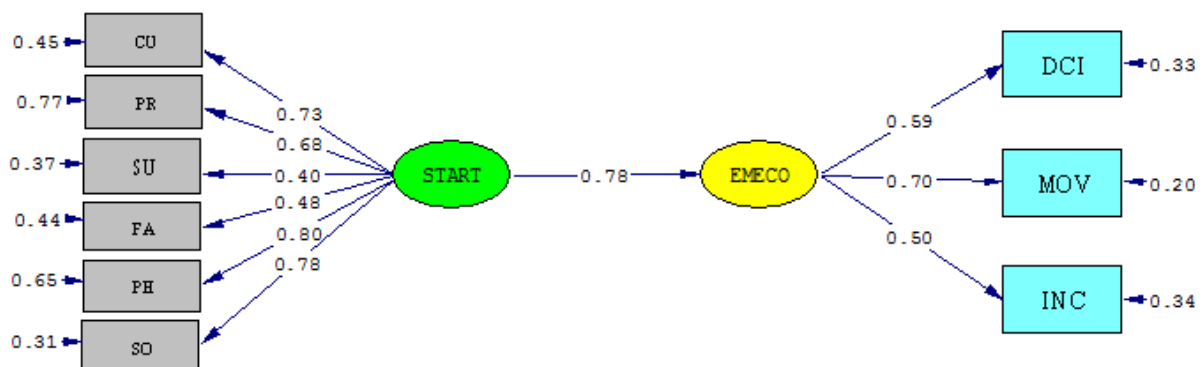
۲.۳. مدل ساختاری تحقیق

دومین مرحله برآورد مدل، پس از برآورد مدل‌های اندازه‌گیری، برآورد مدل ساختاری یا آزمون معنی‌داری ضرایب مسیر فرض شده در مدل تحقیق و واریانس تشریح‌شده یا ضریب تبیینی است که به وسیله هر مسیر برآورد می‌شود. مدل ساختاری، روابط علی بین متغیرهای مکنون را مشخص می‌کند و اثرهای علی و میزان واریانس تبیین‌شده را شرح می‌دهد. در این قسمت، براساس مدل‌های اندازه‌گیری یا تحلیل عاملی تأییدی که در بخش قبل برای هر کدام از سازه‌ها به صورت جداگانه ارائه شد، به آزمون فرضیه اصلی تحقیق درباره تأثیر راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی در زنان روستایی اسلام‌آباد غرب اقدام شد. نتایج تحلیل مسیر در قالب مدل معادله‌های ساختاری در شکل ۲ نشان داده شده است. ضریب‌های مسیر استاندارد شده که در شکل ۲ نشان داده شد، بیانگر قوت روابط بین متغیر مستقل و وابسته در مدل هستند. در جدول ۷، توضیحات بیشتر درباره متغیرهای پنهان درون‌زا و برون‌زای معادله ساختاری را نشان داده شده است.

جدول ۷. متغیرهای مدل ساختاری تحقیق

عوامل‌های راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی (START)						
آموزشی	روان‌شناختی - خانوادگی	حمایت دولت	اقتصادی	شخصیتی - فردی	اجتماعی - فرهنگی	متغیرهای پنهان برون‌زا
SO	PH	FA	SU	PR	CU	علامت اختصاری
		توانمندی اقتصادی (EMECO)				متغیرهای پنهان درون‌زا
	درآمد حاصل از کسب‌وکار		آزادی اقتصادی		قدرت تصمیم‌گیری	متغیرهای پنهان درون‌زا
	INC		MOV		DCI	علامت اختصاری متغیر

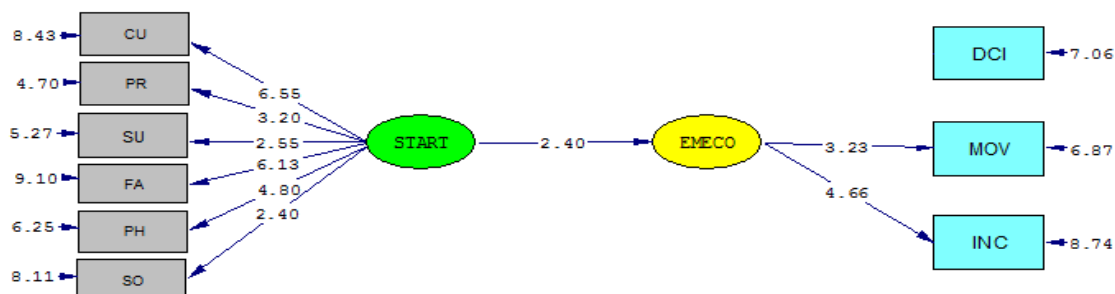
براساس نتایج تحقیق، تحلیل مسیر تأییدی پژوهش با توجه به معناداری $t(2/40)$ که بیشتر از $1/96$ بود تأیید شده است که همچنین نشان می‌دهد روابط موجود براساس نظریه‌های استخراج‌شده و داده‌های گردآوری‌شده از نمونه تحت بررسی در سطح معنی‌داری $0/05$ درصد مثبت و معنادار است. مقدار ضریب مسیر برای دو سازه توانمندی اقتصادی و راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی $0/78$ است؛ مقدار R^2 نیز نشان داد که در کل مدل راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی توانسته است $0/60$ درصد از واریانس متغیر وابسته توانمندی اقتصادی را تبیین کند. کمیت خطای مدل نیز $0/63$ درصد است که نشان‌دهنده مقدار واریانس متغیری است که متغیر راه‌اندازی کسب‌وکار خانگی مدل آن را تبیین نکرده است. با مجذور کمیت خطا (E) واریانس تبیین‌نشده به دست می‌آید که در این مدل $0/40$ است. به عبارت دیگر 40 درصد از واریانس توانمندی اقتصادی را مدل تبیین نکرده است. از این رو می‌توان گفت کسب‌وکار خانگی بر توانمندی اقتصادی زنان روستایی اثر مثبت و معنی‌داری دارد. همچنین از آنجا که مقدار این ضریب مثبت است، تأثیر کسب‌وکار خانگی به گونه‌ای است که سبب توانمندی اقتصادی زنان می‌شود.



Chi-Square=180.17, df=61, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

شکل ۲. مدل ساختاری برازش‌یافته تحقیق

خروجی فوق قسمت معناداری ضرایب و پارامترهای به‌دست‌آمده مدل ساختاری تحقیق (توانمندی اقتصادی) را نشان می‌دهد. اگر عدد معناداری بزرگ‌تر از ۱/۹۶ یا کوچک‌تر از ۱/۹۶- باشد رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. شکل ۳ نشان می‌دهد که همه روابط معنادارند و تأیید می‌شوند.



Chi-Square=180.17, df=61, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

شکل ۳. ضرایب معنی‌داری مدل ساختاری تحقیق

همچنین با توجه به شاخص‌های برازندگی که در جدول ۸ آورده شده است می‌توان نتیجه گرفت که مدل ساختاری طراحی شده معتبر و قابل قبول است.

جدول ۸. شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری تحقیق

شاخص	χ^2 / df	NFI	NNFI	CFI	GFI	AGFI	RMSEA
معیار پیشنهاد شده	≤ 3	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≥ 0.90	≤ 0.08
مقدار گزارش شده	۲/۹۵	۰/۹۰	۰/۹۳	۰/۹۵	۰/۹۲	۰/۹۰	۰/۰۷۵

۴. بحث و نتیجه‌گیری

بیشتر نظریه‌پردازان توسعه معتقدند که منابع انسانی عامل تعیین‌کننده خصوصیت و روند توسعه اجتماعی و اقتصادی آن جامعه است و زنان هر جامعه روستایی نه تنها موضوع و هدف هر نوع برنامه توسعه‌ای هستند، بلکه عامل پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه نیز به شمار می‌آیند. بی‌شک مشارکت زنان روستایی در امور زندگی خویش به‌ویژه در فعالیت‌های اقتصادی مانند کسب‌وکارهای خانگی با هدف ارتقای توانمندی‌های آنان رهیافت بسیار مناسبی برای افزایش تولیدات اقتصادی و توسعه به شمار می‌آید. در این تحقیق ابتدا شاخص‌های توانمندی اقتصادی جامعه تحت بررسی، برآورد شده و در ادامه مدل ارائه‌شده نیز آزمون شد. همان‌طور که اشاره شد، این مدل از برازش لازم برخوردار است. با توجه به نتایج ارائه‌شده، آزمون‌های نیکویی برازش نشان داده‌اند که مدل مفهومی توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی از برازش لازم برخوردار بوده و در جامعه آماری تحقیق، صحیح به کار گرفته شده است.

نتایج پژوهش‌های (Mohanty et al., 2013؛ آگهی و همکاران، ۱۳۹۱؛ عرب‌مازار و سعدی، ۲۰۰۵؛ فرضی‌زاده و همکاران، ۲۰۱۲؛ انجذاب و همکاران، ۲۰۱۲؛ Sathibama, 2010؛ آبراهام، ۲۰۱۱ و Sharma & kanta varma, 2008) نیز نشان می‌دهد که اشتغال در توانمندی اقتصادی بسیار مؤثر است؛ شایان ذکر است که در این تحقیق وزن هر یک از متغیرها به تفکیک و میزان تأثیرگذاری آنها بر متغیر مکنون توانمندسازی اقتصادی زنان روستایی ارائه شده است.

براساس یافته‌های پژوهش پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

– پژوهش حاضر اولین تحقیق در زمینه توانمندی اقتصادی زنان روستایی از دیدگاه توانمندسازی در شهرستان اسلام‌آباد غرب است، بنابراین استفاده از یافته‌های آن در امر برنامه‌ریزی و اقدامات لازم برای بهبود وضعیت توانمندی این قشر از زنان پیشنهاد می‌شود؛

- براساس یافته‌های پژوهش حاضر، کسب‌وکار خانگی بر توانمندی اقتصادی زنان تأثیر مثبت و معناداری دارد و از طرفی از عوامل مؤثر بر افزایش درآمد و بهبود وضعیت توانمندی آنان است؛ بنابراین توصیه می‌شود که توسط دولت و سازمان‌های مسئول برای ارائه تسهیلات و امکانات لازم از جمله دایر کردن صندوق‌های اعتباری خرد و مشاغل خرد و خانگی اقدامات لازم صورت گیرد؛
- به‌منظور تشویق زنان به خوداشتغالی، از همه بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی باید خواسته شود تا درصدی از تسهیلات خود را برای زنان روستایی به‌منظور راه‌اندازی کسب‌وکار اختصاص دهند؛
- با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مناسب در زمینه ارتقای وضعیت اقتصادی و آموزشی زنان روستایی مانند در نظر گرفتن تسهیلاتی برای ایجاد اشتغال خرد و خانگی و همچنین افزایش آگاهی و آموزش می‌توان سبب ایجاد و تقویت اعتماد به توانایی زنان با هدف افزایش مشارکت در فعالیتهای اقتصادی شد؛
- همان‌طور که ملاحظه شد عامل آموزش در راه‌اندازی از بار عاملی ضعیفی برخوردار بود؛ در صورت برخورداری زنان از آموزش مناسب، امکان دستیابی به مشاغل تخصصی بیشتری برای آنها فراهم می‌شود؛ این موضوع موجب تقویت حس اعتماد به نفس و ارتقای مهارت‌ها و قابلیت‌های آنان در کسب‌وکارشان خواهد شد؛
- از دیگر عوامل مؤثر بر گرایش به راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی زنان انگیزه‌های اقتصادی، حمایت دولت، عوامل روان‌شناختی - خانوادگی و عوامل اجتماعی - فرهنگی است. بسترسازی فرهنگی و اجتماعی مناسب برای افزایش آگاهی خانواده و جامعه روستایی در زمینه ورود زنان به عرصه کار و تعدیل نگرش‌های منفی درباره حضور آنها در جامعه از طرق مختلف از اهمیت اساسی برخوردار است. در همین زمینه رسانه‌های جمعی نیز در ایجاد و تغییر باورهای منفی و ایجاد شرایط پذیرش زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی نقش مهمی دارند؛
- با توجه به تأثیر معنی‌دار کسب‌وکارهای خانگی در توانمندی اقتصادی زنان روستایی، ضروری است با شناسایی این کسب‌وکارها و معرفی آنان به زنان روستایی هرچه بیشتر برای توسعه آنها اقدام شود.
- با توجه به نتایج پژوهش، بیشتر زنان بررسی‌شده از توانمندی اقتصادی - اجتماعی مطلوبی برخوردارند. بنابراین پیشنهاد می‌شود در زمینه ایجاد علاقه و انگیزه و ارائه اعتبار برای زنان آسیب‌پذیر و روستایی، اقدامات لازم توسط دولت، سازمان‌های مسئول، بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی انجام گیرد؛
- بازارهای محلی و کارگاه‌های آموزشی به‌منظور تشویق و ایجاد انگیزه در زنان روستایی برگزار شود؛
- به‌منظور بهبود وضعیت معیشتی خانوارها، تدارک برنامه‌های آموزشی و سوادآموزی از یک سو و حمایت از زنان روستایی برای ایجاد و گسترش مشاغل و فعالیتهای سودآور کشاورزی مانند پرواربندی دام، پرورش قارچ، زنبورداری، کشت گیاهان گلخانه‌ای و... با استفاده از سرمایه‌های اندک محلی موجود و کمک اعتباری دولت دارای اولویت است.

۱.۴. محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

- هر پژوهشی با محدودیت‌هایی روبه‌رو است که گاهی برخی از این محدودیت‌ها حتی می‌تواند نتایج را دستخوش تغییر کند. پژوهش حاضر نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود که شماری از این محدودیت‌ها در حیطه کنترل محقق نبود که ممکن است بر فرایند پژوهش اثرگذار بوده باشد:
- نخست، با توجه به اینکه ابزار تحقیق، از جنس خود ابرازی (Self-Report) بود، ممکن است برخی از ملاحظات و مسائل اداری بر پاسخ‌های پاسخگویان در فرایند اجرای پژوهش تأثیرگذار بوده باشد. از این‌رو به نظر می‌رسد که مدل ارائه‌شده در این پژوهش برای به‌کارگیری و اجرای سازه‌های آن در مناطق دیگر می‌تواند توسط دیگر پژوهشگران انجام گیرد و نتایج آن با نتایج این تحقیق مقایسه شود؛
 - دوم، با توجه به اینکه جامعه آماری پژوهش جوامع روستایی هستند، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که به‌منظور فهم عمیق و دقیق‌تر عامل‌های مؤثر بر راه‌اندازی کسب‌وکارهای خانگی و ارائه راهکارهایی برای توانمندی اقتصادی زنان روستایی، موضوع به شیوه کیفی از دیدگاه مدیران و صاحب‌نظران بررسی شود.

References

- Abraham, J. (2011). Measurement of social empowerment of farmers in SHGS: Evidence from India. *International NGO Journal*, 6(12): 255-261. [Online] Available on: <http://www.academicjournals.org/INGOJ>.
- Africa Partnership Forum. (2007). Gender and economic empowerment in Africa, 8th Meeting of the Africa Partnership Forum, Berlin, Germany, 22-23 May.
- Agahi, H., Mirkzadeh, A. A. & Taghibeigi, M. (2011). Prioritizing factors affecting the development of rural women's home businesses. *Women and Society*, 3(11), 181-201. (In Persian).
- Ahmadpourdariani, M. & Maleki, A. (2013a). *Advanced entrepreneurship*. Rahdan. (In Persian).
- Ahmadpourdariani, M. & Maleki, A. (2013b). *Entrepreneurship development*. Rahdan. (In Persian).
- Ahmadpourdariani, M. & Samiezadeh, M. (2013). *Family business*, Tehran: Pars Poyndgan. (In Persian).
- Aliabadi, V.; Atai, P & Mohadi, R. (2015). Investigating the effect of strategic thinking and social capital on identifying entrepreneurial opportunities among rural youth (case study: Kangavar city). *Rural Planning and Research*, 5(14), 110-85. (In Persian).
- Alsop, R., Frost, M., & Jeremy, B. (2005). *Empowerment in practice from analysis to implementation*. South Asia Environment and Social Unit. World Bank, Washington, DC.
- Amini, A. M. & Ahmadi Shapoorabadi, M. A. (2006). Employment of rural women in Barkhor Mimeh and Flowerjan cities of Isfahan province and evaluation of its effect on their economic self-reliance. *Social Psychological Studies of Women*, 5(1), 65-91. (In Persian).
- Anjzab, B.; Farajkhoda, T. & Khoshbeen, A. (2012). Women's employment and its effect on the mental health of the family. Behavioral Science Research, Faculty of Medical Sciences, Isfahan Province, 1(1). (In Persian).
- Arabmazar, A. & Saadi, H. (2005). *Investigating the position of the Agricultural Bank in supporting women heads of rural households*. Research Quarterly of Agricultural Bank, (3). (In Persian).
- Ashraf, M.M., Razzaque, M.A., Liaw, S.T., Ray, P.K., & Hasan, M.R. (2019). Social business as an entrepreneurship model in emerging economy, *Management decision*, 57(5), 1145-1161.
- Austrian, K., Soler-Hampejsek, E., Behrman, J. R., Digitale, J., Jackson Hachonda, N., Bweupe, M., & Hewett, P. C. (2020). The impact of the Adolescent Girls Empowerment Program (AGEP) on short and long term social, economic, education and fertility outcomes: A cluster randomized controlled trial in Zambia. *BMC Public Health*, 20(1), 1–15. <https://doi.org/10.1186/s12889-020-08468-0>
- Badzban, F.; Rezaei Moghadam, K. & Fatemi, M. (2019). Entrepreneurship in small and medium-sized businesses of rural women in Fars province: application of the resilience scale during the life of the business. *Entrepreneurship strategies in agriculture*. 7(13), 12-23. (In Persian).
- Barghi, H.; Shayan, M. & Aslani, B. (2017). Explaining the role of social capital on the formation of entrepreneurship fields of villagers (case study: Sidan section of Maroodasht city). *Space and Geomatics*, 22(1), 54-83. (In Persian).
- Bauernschuster, S., Falck, O., & Heblich, S. (2010). Social capital access and entrepreneurship. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 76(3), 821-833.
- Borghei, R., Jandaghi, G., Matin, H. Z., & Dastani, N. (2010). An examination of the relationship between empowerment and organizational commitment. *Academic Leadership*, 8(1), 1155–1171.
- Dadurkhani, F. (2006). Rural development and women's employment challenges. *Geographical Research*, 38(55), 171-188. (In Persian).
- Ehsanifar, T. Rostami, F. Naderi, N. & Rezaei, b. (2015). Obstacles and solutions of entrepreneurship development in agriculture department. *Journal of entrepreneurship in agriculture*, vol 3 issues, 2 pages-15.1. (In Persian).
- Farzizadeh, Z.; Metousli, M. & Taleb, M. (2012). Sociological investigation of social and economic empowerment, local understanding of it, factors affecting its growth and obstacles of rural women in society. *Rural Development*, 5(1), 1-40. (In Persian).
- Ghanbari, E. (2014). *Investigating the influencing factors on rural women's entrepreneurship*. Master's thesis. Faculty of Literature and Human Sciences. Birjand University. (In Persian).
- Hashemi, H. & Pouraminzad, S. (2009). *Evaluation of indicators and factors affecting business development and women's entrepreneurship in Iran (case study of Gilan province)*. Selected articles of the first international conference on management, innovation and entrepreneurship. Shiraz: Ilya Navin: 1-14. (In Persian).
- Heydari, V. (2013). Effective factors on strengthening the entrepreneurship of farmers in rural areas (case study: Meshginshah city). *Journal of Geography*, Vol 10, Issue 35, March 2013, Pages 263-278. https://mag.iga.ir/article_253527.html?lang=en. (In Persian).
- Iran Statistics Center, Statistical Yearbook 2019. <https://amar.org.ir/>. (In Persian).
- Kabeer, N. (1999). Resources, Agency, Achievements: Reflections on the Measurement of Women's Empowerment', *Development and Change*, 30(3).

- Kabeer, N. (2000) *The power to choose: Bangladeshi women and labour market decisions in London and Dhaka London and New York: Verso.*
- Keshavarz, M. (2017). Analyzing the determinants and drivers of rural entrepreneurship development in Iran with a meta-analytical approach. *Economic research and agricultural development of Iran.* 49(4), 765-778. (In Persian).
- Malhotra, A., Schuler, S.R. & Boender, C. (2002). *Measuring Women's Empowerment as a Variable in International Development.* Gender and Development Group, World Bank, Washington, DC.
- Mekaniki, J.; Shirzor Aliabadi, Z. & Ghasemi, F. (2021). The effect of home businesses on the empowerment of rural women (case study: the central part of Madhim city). *Khorasan Cultural-Social Studies*, 15(3), 179-210. (In Persian).
- Mohammadi Tamari, Z., Rastegari, H. & Sharifzadeh, M. (2019). Fuzzy Screening of Barriers and Obstacles of Rural Entrepreneurship in Iran. *Agricultural Extension and Education Research.* Issue 1 Vol. 12 Spring 1398. <https://sanad.iau.ir/Journal/jaeer/Issue/38164>. (In Persian).
- Mohammadi Yeganeh, B.; Cheraghi, M. & Yazdani, Z. (2013), analysis of factors affecting the spatial distribution of poverty in rural areas, with an emphasis on economic-social characteristics (case study: Mahmoudabad village, Shahindej city), *Geography and Urban-Regional Studies*, 4(13), 83- 96. (In Persian).
- Mohammadi, S.; & Mohammad Sharifi, Jh. (2018). Investigating the effect of barriers on rural women's tendency to tourism entrepreneurship (case study: Oraman section of Sarovabad city). *Women in development and politics.* 17(3). 439-468. (In Persian).
- Mohanty, S. R., Das, B., & Mohanty, T. (2013). Empowerment of women in rural Odisha through micro-enterprises. *IOSR Journal of Humanities and Social Sciences*, 12(1), 1-8.
- Momeni Hlali, H. & Muazen, Z. (2014). An overview of obstacles Development of entrepreneurship in the agricultural sector. *Entrepreneurship magazine In Agriculture*, Volume 2, Number 1, Pages 111-124. (In Persian).
- Nowrozi, H., Davabadi Farahani, F. & Bahamin, F. (2019). Investigating the effect of social capital on the exploitation of international business opportunities by small and medium-sized companies. *International Business Management*, 2(1), 65-45. (In Persian).
- Olyaei, M. S. & Dehghan Nistanki, M. (2011). Investigating the economic capabilities of women carpet weavers of Takab Afshar and their role in rural development; Case study: villages of Takab city (West Azarbaijan province). *Iran's social development studies.* 5(1), 67-81. (In Persian).
- Rahmati, N.; Irjirad, A. & Basiri, M. (2018). The effectiveness of agricultural businesses in rural women's entrepreneurship. *Agricultural Education Management Research*, (49), 16-3. (In Persian).
- Riahi, V. & Nouri, A. (2014). diversification of economic activities and sustainability of villages; Case: Khormadreh city. *Spatial Economy and Rural Development*, 3(10), 113-128. (In Persian).
- Saadi, H., Jalilian, S. & Yaqoubi Farani, A. (2014). The effect of domestic jobs on the social empowerment of rural women. *Women and Society*, 5(3), 85-106. (In Persian).
- Sahrakorpi, T., & Bandi, V. (2021). Empowerment or employment? Uncovering the paradoxes of social entrepreneurship for women via Husk Power Systems in rural North India. *Energy Research and Social Science*, 79(June), 102153. <https://doi.org/10.1016/j.erss.2021.102153>
- Santos, S. ., Neumeyer, X., & Morris, M. . (2019). Entrepreneurship Education in a Poverty Context: An Empowerment Perspective. *Journal of Small Business Management ISSN:*, 75(s1), 6–32.
- Santos, S.S.C., Neumeyer, X., & Morris, M. H. M. (2019). Entrepreneurship Education in a Poverty Context: An Empowerment Perspective. *Journal of Small Business Management ISSN:*, 75(s1), 6–32. <https://doi.org/10.1111/jsbm.12485>
- Sathiabama, K. (2010). Rural women empowerment and entrepreneurship Development. Research Scholars, Department of Political Science and Development Administration, Gandhigram Rural Institute, Dindigul District. April 2010.
- Sen, Amartya (1999). *Development as Freedom.* New York: Knopf.
- Shafieian, A. H.; Mohammadi Elyasi, Gh.; Ahmadpour Dariyani, M.; Khandoozi, S.H & Padash, H. (2021). Body of Knowledge in Theory of Entrepreneurial Empowerment of the Poor: An Extensive Scientometric Analysis. *Journal of Entrepreneurship Development*, Volume 14, Issue 1 - Serial Number 51, June 2021, Pages 99-11 10.22059/JED.2021.315258.653536 . (In Persian).
- Sharma, Preeti & Kanta Varma, Shashi (2008). Women Empowerment through Entrepreneurial Activities of Self Help Groups. *Indian Res. J. Ext. Edu.* 8(1).
- Shokralhi, Jh & Karimi, F. (2015). The pattern of relationships between social capital and knowledge management with the entrepreneurial orientation of employees of Isfahan Kashi Industries Company. *Productivity Management*, 9(36), 125-140. (In Persian).
- Sultsn, B., Zabba, Z. ., & Umemoto, K. (2010). Women's Empowerment Through the Development of Micro Entrepreneurship in Rural Bangladesh. *The Socoal Sciences*, 5(1), 1–9.

- World bank. (2007). Process Monitoring in Andhra Pradesh: An Award-Winning Innovation in Project Supervision. Agricultural and Rural Development Notes 22, Washington, DC,
- Zarei Sabhati, E.; Shekari, A. & Yazdakhasi, A. (2015). The role of Godar Business (KAB) entrepreneurship education model on the entrepreneurial skills of technical and vocational training center trainees (case study: Isfahan province). *Theory and practice in curriculum*, 4(7), 31-54. (In Persian).